

سوال

من قادیانی نیستم و این را می‌دانم که آن‌ها به وجود پیامبری پس از محمد ﷺ ایمان دارند؛ بنابراین آیا آنان از اسلام خارج شده‌اند؟ من معتقدم که آنان مسلمان نیستند و بر این اساس با آنان رفتار می‌کنم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

قادیانیه فرقه‌ای است که در سال ۱۹۰۰ میلادی و با طراحی استعمار انگلستان به هدف دور ساختن مسلمانان از دین‌شان و به ویژه از فریضه‌ی جهاد، در شبه قاره‌ی هند شکل گرفت. هدف استعمارگران این بود که مسلمانان هند، به نام اسلام در برابر استعمار قرار نگیرند. تریبون اصلی این فرقه، مجله‌ی ادیان است که به زبان انگلیسی منتشر می‌شود.

تاسیس و شخصیت‌های بارز:

- میرزا غلام احمد قادیانی (۱۸۳۹ - ۱۹۰۸) ابزار اصلی برای ایجاد این فرقه بود. وی به سال ۱۸۳۹ میلادی در قادیان واقع در پنجاب هند به دنیا آمد. غلام احمد به خانواده‌ای منتسب بود که به خیانت دین و وطن مشهور بودند. اینگونه غلام احمد همچون عنصری وفادار و مطیع استعمار بار آمد تا نقش پیامبر دروغینی را ایفا کند که قرار بود مسلمانان فریب او را خورده و دست از جهاد علیه استعمار انگلستان بکشند. حکومت بریتانیا توجه ویژه‌ای به این خانواده داشت آنان نیز در مقابل مراتب سرسپردگی را برای آنان ادا می‌کردند. غلام احمد در میان پیروان خود به اختلال مزاج و بیماری و مصرف مواد مخدر معروف بود.

از جمله کسانی که در برابر او و دعوت خبیثش ایستاد، شیخ ابوالوفا ثناء الأمر تسری، امیر جمعیت اهل حدیث هند بود. او به مناظره با غلام احمد برخاست و پوچی حجت او و کفر و انحرافش را آشکار نمود. اما از آنجایی که غلام احمد به راه هدایت باز نگشت، ابوالوفاء با وی مباحله نمود که هر کدام از آنان که دروغگو است، زودتر بمیرد. اما هنوز چند روز از مباحله نگذشته بود که غلام احمد قادیانی در سال ۱۹۰۸ میلادی، هلاک شد. او بیش از پنجاه کتاب و جزوه و مقاله از خود به جای گذاشت که مهم‌ترین کتاب‌های: ازالة الأوهام، اعجاز احمدی، براهین احمدیه، انوار الاسلام، اعجاز المسیح، التبلیغ، و تجلیات الهیه است.

- نورالدین، خلیفه‌ی اول قادیانی‌ها. انگلیسی‌ها پس از غلام احمد، تاج خلافت را بر سر او نهادند. کتاب فصل الخطاب، از تالیفات اوست.

محمد علی و خوجه کمال الدین، این دو امیر قادیانی‌های لاهوری و نظریه‌پردازان قادیانیت بودن. محمدعلی نخستین ترجمه‌ی تحریف شده‌ی قرآن را به زبان انگلیسی ارائه داد و صاحب کتاب‌های دیگری از جمله: حقیقة الاختلاف، النبوة فی الاسلام و الدین الاسلامی است. خوجه کمال الدین نیز دارای تالیفاتی است از جمله: المثل الاعلی فی الانبیاء و دیگر کتب. گروه لاهور میرزا غلام احمد را تنها به عنوان یک مجدد می‌شناسد، اما هر دو حرکت در واقع یکی است.

محمد علی: وی امیر قادیانی‌های لاهوری و نظریه‌پرداز قادیانیت و جاسوس استعمار بود. او همچنین مسئولیت مجله‌ی رسمی قادیانی‌ها بود. به کتاب‌های وی پیش‌تر اشاره کردیم.

محمد صادق: مفتی قادیانی‌ها. وی نویسنده‌ی کتاب **خاتم النبیین** است.

بشیر احمد فرزند غلام احمد: صاحب سیره المهدی، و کلمة الفصل.

محمود احمد فرزند غلام احمد و خلیفه‌ی دوم وی: او صاحب کتاب انوار الخلافة و تحفة الملوك و حقیقة النبوة هست.

- تعیین ظفرالله خان به عنوان نخستین وزیر امور خارجه‌ی پاکستان تاثیر بالایی در کمک به این فرقه‌ی گمراه داشت. وی زمین بزرگی را در اقلیم پنجاب برای تاسیس مرکز علمی این گروه اختصاص داد. آنان این مرکز را با استعاره از آیه **وَأَوْيَتْهُمَا إِلَى رُبُوعٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ** [مومنون: ۵۰] (و آن دو را در سرزمین بلندی که جای زیست و [دارای] آب زلال بود جای دادیم) ربّوّه نامیدند.

افکار و اعتقادات:

- غلام احمد فعالیت خود را به عنوان یک دعوتگر اسلامی آغاز کرد. هدف وی این بود که کسانی دور و بر او را بگیرند؛ سپس ادعا کرد که وی مجدد است و از سوی خداوند به او الهام می‌شود. سپس گام به گام جلو رفت تا آنکه ادعا کرد مهدی منتظر و مسیح موعود است و در آخر ادعای کرد که پیامبر است و پیامبری وی در درجه‌ای بالاتر از پیامبری محمد ﷺ است.

- قادیانی‌ها معتقدند خداوند روزه می‌گیرد و نماز می‌گزارد و می‌خوابد و بیدار می‌شود و می‌نویسد و اشتباه می‌کند و جماع می‌کند... الله از آنچه می‌گویند بسیار والاتر است.

- قادیانی معتقد بود خدایش انگلیسی است زیرا با او انگلیسی سخن می‌گفت.

- قادیانی‌ها معتقدند نبوت با پیامبری محمد ﷺ به پایان نرسیده، بلکه همچنان ادامه دارد و خداوند بر حسب نیاز پیامبرانی را خواهد فرستاد، و غلام احمد، بهترین همه‌ی پیامبران است.

- معتقدند جبرئیل بر غلام احمد نازل می‌شد و به او وحی می‌کرد و الهامات او همانند قرآن است.

- می‌گویند: قرآنی نیست مگر آنکه مسیح موعود (غلام احمد) آورده، و حدیثی نیست مگر در سایه‌ی تعالیم او، و پیامبری نیست مگر آنکه غلام احمد سرور اوست.

- می‌گویند: کتاب‌شان از آسمان نازل شده و نامش کتاب مبین است و غیر از قرآن کریم است.

- معتقدند که صاحب دین جدید مستقل و شریعتی مستقل‌اند و یاران غلام احمد همانند صحابه هستند.

- معتقدند قادیان مانند مدینه‌ی منوره و مکه‌ی مکرمه، و بلکه بهتر از آن‌هاست و زمین آن حرم است و آن را قبله‌ی خود می‌دانند و به سویش حج می‌کنند.

- آنان به الغای عقیده‌ی جهاد فرا خواندند و خواهان طاعت کورکورانه از حکومت انگلیس شدند، زیرا به حسب گمان آن‌ها، انگلیسی‌ها به نص قرآن ولی امر هستند!

- نزد آنان همه‌ی مسلمانان کافرند مگر آنکه وارد قادیانیت شوند، همین‌طور هر کس با غیر قادیانی‌ها ازدواج کند، کافر است.

- خمر و مخدرات و افیون و هر مست کننده‌ای را حلال می‌دانند.

- ریشه‌های فکری و عقیدتی:

- جنبش غرب‌گرایانه‌ی سر سید احمد خان با نشر اندیشه‌های انحرافی، زمینه را برای ظهور قادیانیت آماده ساخته بود.

- انگلیسی‌ها از این شرایط استفاده کردند و حرکت قادیانیه را بنیان نهادند و مردی از یک خانواده‌ی مزدور را به رهبری آن گماردند.

- در سال ۱۹۵۳ میلادی، انقلابی مردمی در پاکستان خواهان برکناری ظفر الله خان، وزیر خارجه‌ی وقت پاکستان شدند و طائفه‌ی قادیانیه را غیر مسلمان دانستند. در این انقلاب حدود ده هزار تن از مسلمانان به شهادت رسیدند و در آخر توانستند وزیر قادیانی را برکنار کنند.

- در ماه ربیع الاول سال ۱۳۹۴ هجری برابر با آوریل ۱۹۷۴ میلادی، کنفرانس بزرگی در رابطه‌ی العالم الاسلامی در مکه‌ی مکرمه برگزار گردید و نمایندگانی از سازمان‌های بین المللی اسلامی از سراسر جهان در آن شرکت کردند. این کنفرانس کفر

معتقدان به قادیانیت را اعلام کرد و از مسلمانان سراسر جهان خواست در برابر خطر آن مقاومت کنند و با قادیانی‌ها تعامل نکرده و مردگان‌شان را در قبرستان‌های مسلمانان دفن نکنند.

- پارلمان پاکستان در جلسه‌ای به مناقشه‌ی رهبر این طائفه، میراز ناصر احمد پرداخت و شیخ مفتی محمود رحمه الله به مناظره با وی پرداخت. این مناقشه نزدیک به سی ساعت ادامه یافت که در نهایت ناصر احمد نتوانست به سوالات و ادله‌ی طرف مقابل پاسخ دهد و کفر این طائفه تبیین گردید. در نهایت، پارلمان رای به این داد که قادیانی‌ها اقلیتی غیر مسلمان هستند.

دلایل کفر میرزا غلام احمد:

- ادعای پیامبری.

- ادعای نسخ فریضه‌ی جهاد برای خدمت به استعمار.

- الغای حج به مکه و تبدیل آن به حج به سوی قادیان.

- تشبیه خداوند به مخلوقات.

- ایمان به عقیده‌ی تناسخ و حلول.

- انتساب فرزند به الله متعال و ادعای اینکه وی فرزند خداوند است.

- انکار پایان یافتن نبوت با پیامبری محمد ﷺ و باز گذاشتن در نبوت برای مدعیان.

قادیانی‌ها روابط خوبی با رژیم اشغالگر فلسطین دارند و صهیونیست‌ها برای آنان مراکز و مدارس گوناگونی گشوده‌اند و به آنان اجازه‌ی نشر مجله و کتب در سرزمین‌های اشغالی داده‌اند.

تاثیر گرفتن آنان از نصرانیت و یهودیت و حرکت‌های باطنی در عقاید و سلوکشان واضح است، هر چند در ظاهر ادعای اسلام می‌کنند.

گسترش و اماکن نفوذ:

- بیشتر قادیانی‌ها هم اکنون در هند و پاکستان زندگی می‌کنند و تعداد کمی از آنان در سرزمین‌های اشغالی و کشورهای عربی حضور دارند. آنان با کمک قدرت‌های غربی سعی می‌کنند در هر سرزمینی که حضور دارند به مراکز حساس راه یابند.

- قادیانی‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای در آفریقا و برخی کشورهای غربی دارند. آنان تنها در آفریقا بیش از پنج هزار مرشد و دعوتگر دارند که وقت خود را صرف دعوت مردم به سوی این مذهب می‌کنند. فعالیت گسترده‌ی آنان نشان دهنده‌ی پشتیبانی بالای آن‌ها از سوی کشورهای غربی است.

- حکومت انگلستان کاملاً از این مذهب حمایت کرده و زمینه‌ی اشتغال پیروان این مذهب را در ادارات و سازمان‌های بین المللی و نمایندگی‌های فرهنگی و... فراهم ساخته و بسیاری از آنان دارای رتبه‌های بالای نظامی در سازمان جاسوسی انگلستان هستند.

- قادیانی‌ها از همه‌ی ابزار به ویژه فعالیت‌های فرهنگی و علمی برای نشر مذهب خود بهره می‌برند. به ویژه آنکه بسیاری از آنان دارای تحصیلات عالی هستند. آنان همچنین در بریتانیا یک شبکه‌ی ماهواره‌ای تحت نام تلویزیون اسلامی دارند.

بر اساس آنچه گفته شد، واضح است که قادیانیت دعوتی است گمراهی که هیچ ربطی به اسلام ندارد و عقیده‌ی آن در همه چیز مخالف اسلام است. بنابراین باید مسلمانان را نسبت به این گروه و فعالیت‌های آنان هشدار داد، به ویژه آنکه علمای مسلمان فتوا به کفر آنان داده‌اند.

برای مطالعه‌ی بیشتر مراجعه نمایید به: القادیانیه، نوشته‌ی احسان الهی ظهیر.

مرجع: الموسوعة المیسرة فی الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، اثر دکتر مانع بن حماد الجهنی (۱/ ۴۱۹-۴۲۳).

بیانیه‌ی مجمع فقه اسلامی درباره‌ی فرقه‌ی قادیانیه:

پس از نظر در سوال طرح شده بر مجلس فقه اسلامی در کپتاون واقع در آفریقای جنوبی درباره‌ی قادیانیه و گروه منشعب از آن تحت نام لاهوریه، که آیا مسلمان هستند یا خیر، و از آنجایی که غیر مسلمانان صلاحیت بررسی این موضوع را ندارند، و در پرتو پژوهش‌ها و مستندات ارائه شده از سوی اعضای مجمع درباره‌ی میرزا غلام احمد قادیانی که قرن گذشته در هند ظهور کرده است، و فرقه‌های قادیانیه و لاهوریه به او منسوبند، و پس از تامل درباره‌ی اطلاعات ذکر شده درباره‌ی این دو فرقه و پس از اطمینان از اینکه میرزا غلام احمد ادعای نبوت نموده و خود را پیامبری مرسل و صاحب وحی دانسته و این ادعا از نوشته‌های وی که ادعا می‌کند قسمت‌هایی از آن وحی منزل است به اثبات رسیده و در طول زندگی به سوی آن دعوت داده و مردم را به سوی نوشته‌ها و سخنان خود مبنی بر پیامبری‌اش دعوت کرده و همینطور انکار بسیاری از ضروریات دین توسط وی، مجمع چنین نتیجه می‌گیرد:

اولاً: ادعای پیامبری و رسالت و نزول وحی توسط میرزا غلام احمد انکار صریح چیزی است که ضرورتاً و به طور قطع و یقین از دین ثابت است، از جمله ختم نبوت با پیامبری سرورمان محمد ﷺ و اینکه پس از وی وحی بر هیچکس دیگر نازل نخواهد شد و اینکه این دعوت میرزا غلام احمد باعث می‌شود وی و همه‌ی کسانی که با وی موافق‌اند مرتد و از دین خارج

شوند. لاهوریه نیز مانند قادیانه مرتد هستند، هرچند میرزا غلام احمد را سایه و جلوه‌ی پیامبرمان صلی الله علیه وسلم می‌دانند.

ثانیا: هیچ دادگاه غیر اسلامی یا قاضی غیر مسلمانی صلاحیت این را ندارد که بر مسلمان بودن یا ارتداد کسی حکم صادر کند، به ویژه در مواردی که به مخالفت با اجماع امت اسلام که در مجامع فقهی و علمایشان نمود می‌یابد منجر شود. زیرا حکم به مسلمانی یا ارتداد پذیرفته نیست مگر آنکه از سوی یک مسلمان صادر شود که به آنچه باعث محقق شدن مسلمانی می‌شود یا آنچه به حتم باعث ارتداد و خروج شخص از اسلام می‌شود آگاه باشد و به حقیقت اسلام و کفر آشنا بوده و به آنچه در قرآن و سنت و اجماع ثابت است احاطه داشته باشد. بنابراین حکم چنین دادگاهی اساسا باطل است. والله اعلم. مجمع فقه اسلامی (۱۳).